

## Women's Lived Experiences with Prostitution and High-risk Sexual Activities

**Masoumeh Bagheri**  \* Associate Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

**Marziyeh Shahryari**  Assistant Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

**Parvin Ganji**  PhD Candidate of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

### Abstract

Prostitution is today's society's most terrible social reality, expanding among the gray people who, despite their impurity and contamination, have not yet lost their clean essence. The goal of this study was to look at the lives of prostitutes in Khorramabad, as well as the method of targeted sampling using the snowball approach with 12 prostitutes. The research takes a phenomenological method since it examines women's experiences with the nature of their relationships after marriage. The data were collected using the in-depth interview approach, and the data from phenomenological interviews were analyzed using the content analysis method. The key issues include perception of meanings and its semantic aspects, as well as an inclination towards unethical connections (prostitution). The most common high-risk and unprotected behaviors reported by prostitutes included sexual partners' refusal to use contraceptives, non-adherence to the agreement on how to do and pay, lack of life security, and psychological threat. The majority of prostitutes fell prey to the failures of their father and spouse families, as well as a harmful atmosphere and society. As a result, skills training, education through the media and information institutions, and the adoption of protective legislation for street women are all necessary for women's self-sufficiency.

**Keywords:** Improper marriage, Prostitution, Phenomenology, High-risk sexual activities, Women.


The present study is extracted from the research project of lived experience of street women in the tendency to immoral relationships with the support of the Vice Chancellor for Research and Technology of Shahid Chamran University of Ahvaz.


\* Corresponding Author: m.bagheri@scu.ac.ir


**How to Cite:** Bagheri, M., Shahryari, M., Ganji, P. (2021). Women's Lived Experiences with Prostitution and High-risk Sexual Activities, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(92), 237-274.



## تجربه زیسته زنان در گرایش به روسپیگری و رفتارهای جنسی پرخطر

معصومه باقری  \* دانشیار جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مرضیه شهریاری  استادیار جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

پروین گنجی  دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

### چکیده

روسپیگری تلخ‌ترین حقیقت اجتماعی جامعه کنونی است که بین افراد خاکستری جامعه که باوجود ناخالصی و آلودگی هنوز فطرت پاکشان را از دست نداده‌اند، در حال گسترش است. این تحقیق باهدف بررسی تجربه زیسته زنان در گرایش به روسپیگری در شهر خرم‌آباد و شیوه نمونه‌گیری هدفمند از طریق روش گلوله برفی با ۱۲ نفر از زنان روسپی انجام شده است. با توجه به اینکه تجربیات زنان در مورد ماهیت روابط آنان پس از ازدواج مورد کنکاش قرار می‌گیرد، رویکرد این تحقیق پدیدار شناختی است. جهت گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق و برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های پدیدارشناسی از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. مضمون‌های اصلی شامل؛ ادراک معانی گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری) و ابعاد معنایی آن می‌باشد. همچنین عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از وسایل پیشگیری، پایبند نبودن به توافق در شیوه انجام و پرداخت هزینه، نداشتن امنیت جانی و تهدید روحی به‌عنوان مهم‌ترین رفتارهای پرخطر و محافظت نشده تجربه‌شده زنان روسپی بود. اکثر زنان روسپی قربانی کارکردهای نادرست خانواده پدری و همسری، محیط و جامعه ناسالم خود شدند؛ بنابراین آموزش مهارت جهت خودکفایی زنان، اطلاع‌رسانی توسط رسانه و نهادهای اطلاع‌رسان و ایجاد نمودن قانون‌های حمایتی برای زنان خیابانی ضروری است.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج نادرست، گرایش به روسپیگری، پدیدارشناسی، رفتارهای جنسی پرخطر، زنان.

پژوهش حاضر مستخرج از طرح پژوهشی تجربه زیسته زنان خیابانی در گرایش به روابط غیر اخلاقی (روسپیگری) و رفتار پرخطر براساس روش پدیدارشناختی با حمایت معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اجرا شده است.

\* نویسنده مسئول: m.bagheri@scu.ac.ir

## طرح مسأله

در دهه‌های اخیر با گسترش جوامع سرمایه‌داری، ظهور تبلیغات و تکنولوژی‌های جدید، روحیه لذت طلبی، تنوع‌طلبی و در نتیجه انحرافات اخلاقی در سراسر جهان افزایش یافته است. جامعه ایران نیز تحت عوامل مختلف دست‌خوش این بحران گردیده که یکی از بازنمودهای آن، گسترش روزافزون روسپیگری و تن‌فروشی است. مسائل اجتماعی، فقر و بیکاری، جمعیت رو به رشد کشورهای فقیر، عدم تأمین نیازهای اولیه اعضای خانواده می‌توان نام برد، همچنین گذار جوامع از سنتی به مدرنیسم، تحولات اجتماعی و انقلابات، جاذبه‌های شهری و توریستی، مهاجرت، تجربه خانواده، آداب‌ورسوم خرافی را از دیگر عوامل گرایش به فحشا و روسپیگری از مهم‌ترین علل بروز این پدیده می‌توان نام برد (Aliaizand, 2011: 19).

این در حالی است که شالوده و بنیان جامعه و خانواده به سلامت تمامی افراد جامعه بخصوص زنان بستگی دارد. چنانچه جرم یا انحراف از هنجارهای رسمی بخصوص توسط زنان افزایش یابد، پایداری و ثبات سلامت جامعه مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. انحرافات اجتماعی به‌ویژه در زنان، سلامت و امنیت روانی- اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند و جامعه برای بقاء و پایداری خود بایستی تدابیر مناسبی جهت جلوگیری از انحرافات زنان بزهکار و اقداماتی جهت بازپروری آن‌ها به عمل آورد این امر جز از طریق شناخت دقیق عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده گرایش به انحرافات امکان‌پذیر نیست. ویژگی جالب توجه روسپیگری، به همراه داشتن درآمد زیاد، بدون نیاز به داشتن مهارت‌های خاص و سطح بالا است؛ به گونه‌ای که درآمد حاصل از روسپی‌گری خیابانی در کمترین حد آن، ممکن است چندین برابر درآمد ناشی از اشتغال تمام‌وقت به حرفه‌ای باشد که پرداختن به آن نیازمند احراز مهارت‌های ویژه است روسپیگری را می‌توان معلول روحیه لذت طلبی، مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی غیرهنجاری دانست (Cerrone et al, 2001: 3). وجود برداشت‌های مختلف از مفهوم روسپی‌گری از جمله مشکلات اساسی در پرداختن به این مقوله است. روسپی‌گری به خدمات جنسی و

خرید و فروش آن بر پایه قیمت شناخته شده و توافقی اطلاق می شود که مبتنی بر الگوی تعامل بین افرادی است که از حیث اجتماعی نسبتی با هم ندارند. منظور از روسپی، فردی می باشد که درازای رابطه جنسی پول دریافت می کند (Young, 2002: 44).

به واسطه تحولات روسپی گری در انگلیس و تحول در تفکر انتقادی در نظم تاریخ، مورخان فمینیست اجتماعی شروع به پذیرش اندیشه مارکسیستی کردند و آشکارا تن فروشی را در یک چارچوب ماتریالیستی قرار دادند. با استفاده از این چارچوب، مورخان توانستند فحشا را از منظر گسترده تر به عنوان نوعی کار و بخشی از توزیع نابرابر ثروت توصیف، درک و بحث کنند (Nordic, 2018: 32). پدیده ای که وجود دلایل متعدد و چندگانه شیوع، زیست متفاوت و گاه پنهان اما گسترده، جدال بر سر قانونی یا غیرقانونی بودن، مجرم یا قربانی بودن روسپی و قدم نهادن این پدیده به عرصه تجارت و ظهور صنعت سکس به عنوان سومین صنعت سودآور جهان تنها نشانه هایی از پیچیدگی ابهام آور این مسأله می باشد. پدیده ای که به تعبیر ژرژگوریچ<sup>۱</sup> یک پدیده اجتماعی تام می باشد که دارای لایه ها، ا فشار و سطوح متعدد است (Hajizadeh Meymandi, 2007: 4) که اقدام به قانونی کردن آن، مردان را با این پیام مواجه می سازد که زنان کالاهای جنسی هستند و روسپیگری یکی از سرگرمی های بدون ضرر برای مردان است (Rubhani Khorasgani, 2015: 54).

با این تعاریف روسپیگری ریشه ای عمیق در دل زندگی اجتماعی، روان شناختی، سیاسی و اقتصادی دارد و یکی از لغزنده ترین پدیده هایی است که کنترل قانونی نفوذ چندان بر آن ندارد (Liu, 2012: 45). روسپیگری هم معلول مشکلات اجتماعی نظیر مهاجرت، بیکاری، حاشیه نشینی، فقر، عدم امکان ازدواج، مصرف گرای، سطح تحصیلات پایین، خانواده از هم گسیخته، ضعف باورهای مذهبی و غیره است و هم خود به مشکلات اجتماعی نظیر سرقت، طلاق، اعتیاد به مواد مخدر، حتی قتل و بسیاری از آسیب های دیگر می انجامد.

مرور سیستماتیک مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بیشتر زنان روسپی از وضع موجودشان ناخرسند هستند و زجر می‌کشند، ولی به‌تنهایی نمی‌توانند تغییر مثبتی در زندگی پدیدآورند. زنان روسپی افزون بر تنزل معنوی و اخلاقی، دچار اختلال روانی، افزایش افکار منفی و مخرب و آشفتگی‌های هیجانی می‌شوند، که این امر زمینه را برای بزه بیشتر مهیا می‌کند. کمک به زنان روسپی سابقه تاریخی دارد و در بیشتر کشورهای دنیا برنامه‌های رفاهی خاص، همچنین برنامه‌هایی برای آماده کردن آنان برای بازگشت به زندگی عادی در نظر گرفته می‌شود. لذا برای تدوین برنامه رفاهی زنان روسپی آگاهی از علل و پیامدهای روسپیگری ضرورتی انکارناپذیر است.

در دهه‌های اخیر همگام با رشد گرایش‌های اخلاقی، معنویت و دین‌داری، تمایلات مادی‌گرایانه و ضد اخلاقی نیز در اغلب جوامع گسترش یافته است. مفاسد اجتماعی و اخلاقی، از جمله روسپی‌گری یا بهره‌کشی‌های جنسی، یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌های اخلاقی است که امروزه به علت رواج عقاید سهل‌گیر و اغماض‌گر نسبت به روابط جنسی، با وجود آگاهی از خطرات و زیان‌های بسیار آن، گسترش یافته و موجب انحطاط جوامع گردیده است (Bullough, 1996:37). مسلماً این وضعیت در جامعه دینی ما با حساسیت بیشتری مواجه است و برای کاهش این آسیب، نیازمند بررسی دقیق و جامع معضل مهم می‌باشد. واضح‌تر آنکه بحران COVID-19 دو موضوع نامناسب بودن محیط قانونی و ناکافی بودن شبکه ایمنی رفاه و تأمین خدمات عمومی را برای کسانی که مشغول کار جنسی و رابطه جنسی هستند، مورد توجه قرار داده است. هدف اصلی از انجام این پژوهش، کشف معنای روسپیگری در نظام معنایی زنان تن‌فروش بوده است؛ بنابراین، در همین راستا سؤالات اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. تجارب روسپیگری، عوامل ورود و بقای این افراد در روسپیگری همان‌گونه که خود زیست کرده‌اند حول چه مفاهیمی شکل می‌گیرد.

۲. فهم تجربه زنان روسپی آن‌گونه که واقعاً در زندگی روزمره تجربه می‌شود نه در یک محیط تصنعی و در واقع بی‌بردن به این که چه عواملی موجب گردیده یک زن، حاضر

به پذیرش این نوع رابطه جنسی شود؟

### پیشینه تحقیق

فاتحی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند، ۶۹ درصد دختران و زنان روسپی دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۶۴/۴ درصد مجرد و ۹/۶ درصد متأهل بودند. دامنه سنی آنان در محدوده ۲۰-۲۹ سال و میانگین سنی آنان ۲۰/۲۸ سال بود. نابسامانی خانواده، فقر اقتصادی، اعتیاد، جامعه‌پذیری ناقص و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و تنوع‌طلبی، هیجان‌طلبی، نداشتن تعادل عاطفی، رفتاری و ضعف هویت اخلاقی از مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و زنان مورد مطالعه بود.

یافته‌های پژوهش نوغانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد، مهم‌ترین انگیزه‌های روسپیگری در شهر بجنورد شامل مشکلات پس از ازدواج با سابقه آزارهای جسمی، جنسی و روانی شدید، اعتیاد، تشویق یا تهدید زنان به کسب درآمد از راه‌های غیرمشروع، بیکاری و وضعیت مالی نامناسب بود.

ملایری خواه لنگرودیو همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه کیفی ۴۰ زن تن‌فروش شهر تهران با عنوان «موانع استفاده از کاندوم در زنان تن‌فروش در تهران، یک مطالعه کیفی» نتایج نشان داد، اکثریت قریب به اتفاق زنان تن‌فروش در دوره زمانی شش ماه قبل از مصاحبه، استفاده‌ی مداوم از کاندوم نداشتند. دلایل عمده‌ی عدم استفاده از کاندوم در شرکت‌کنندگان، عدم آگاهی از بعضی از راه‌های انتقال و روند بیماری ایدز، شک داشتن به نقش کاندوم در پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و ایدز، ترس از ابراز خشونت یا طرد شدن توسط مشتریان مرد و عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از کاندوم به دلیل کاهش لذت جنسی و اطمینان از سالم بودن برخی از شرکای جنسی بیان شد.

بر اساس تحقیق باقری و همکاران (۱۳۹۴) در خصوص عوامل تأثیرگذار بر روسپیگری، به عوامل متعددی همچون ضعف وضعیت اقتصادی، تحصیلات پایین، فرار از خانه، سوءاستفاده جنسی، اعتیاد به مواد مخدر، وضعیت نامناسب خانوادگی (طلاق و

خشونت والدین) ازدواج توأم با اجبار والدین در سنین پایین و اختلاف سنی زیاد زوجین اشاره شده است.

شکریگی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «روسپی‌گری زنان در محله حکمت‌آباد کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند روسپی‌گری ناشی از فقر فرهنگی است تا فقر اقتصادی. آن‌ها نشان دادند چهار عامل فقر اقتصادی، اجبار از جانب همسر برای تأمین مواد مخدر، جنبه تفریحی برای قمار و کسب درآمد بیشتر و در نظر گرفتن آن به صورت یک شغل همانند سایر مشاغل، از دلایل رشد این معضل در این محله بود.

صفراندافی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تجربه زیسته زنان روسپی شهر تهران: یک مطالعه پدیدارشناسی» به بررسی زیست زنان روسپی پرداخته است و مضامینی چون بیم بقا، ساکنان محله غم، روسپی در آینده و چرخه حیات است که در پی پیدا کردن گفتمانی پیرامون اهداف پژوهش بود و به عوامل ورود، رنج ناشی از روسپیگری، ادراکات شخصی و عوامل ادامه دادن این مسیر می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان داد ورود به روسپیگری با گذر از افسانه فقر مطلق وارد دوره انباشت سرمایه و رشد اقتصادی شخصی شده است. رنج، احساس گناه، اجبار و بردگی از مفاهیم اصلی در ارتباط با روسپیگری است که زنان روسپی با آن درگیر هستند. دوگانگی اقتصادی، میل به مصرف نامتناهی، هویت‌یابی از طریق مصرف کردن و عدم حمایت‌های اجتماعی و قانونی از عواملی هستند که مانع خروج زنان از چرخه روسپیگری می‌شود.

موحد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «کاوش معنایی تن‌فروشی در تجربه زیسته زنان تن‌فروش» بر اساس نتایج به دست آمده، با حاکمیت نظام حمایت اجتماعی مردسالارانه، تردیدی نیست که جایگاه زنان در خانواده‌ها متزلزل و شکننده است. همچنین تردیدی نیست که با ترویج تفکر زنان متکی به مردان، کفهی امتیازات اجتماعی به نفع مردان سنگین شود. مجموعه‌ی حاکم بر فضای حمایت اجتماعی که امتیازها و فرصت‌ها را مردسالارانه توزیع می‌کند، زمینه‌های روان‌شناختی را برای زنان فراهم می‌سازد که از تلاش برای ترمیم آسیب‌های وارد شده بر آنان و همچنین دستیابی به موقعیت‌های رهایی‌بخش،

نامید شوند و احساس ناکامی و انتقام‌جویی در آن‌ها رخنه کند.

کیخسروی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی انحرافات جنسی در زنان» نتایج پژوهش نشان داد که نارضایتی از ازدواج، گرایش به دوست ناباب و تنگناهای مالی، از جمله علل انحراف در این زنان می‌باشد. فقر، محیط نامناسب خانوادگی، خلأهای عاطفی، آسیب‌های عمیق دوران کودکی و فقر فرهنگی از عوامل مداخله‌گر در این انحراف، می‌باشند که راهبردهایی چون همانندسازی انحرافی، کجروی برای بقا، ازدواج درمانی و قتل نفس را در پی دارد. برخی از پیامدهای این راهبردها، ازهم‌پاشیدگی خانوادگی، طرد اجتماعی و فروپاشی می‌باشد.

هاردمن<sup>۱</sup> (1989) روی‌آوری برخی از زنان به فحشاء را متأثر از فقر مالی و اقتصادی و نشانه مقاومت یا پاسخی به فقر در نظر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ممکن است فحشا یک استراتژی فعال در مواجهه با فقر باشد.

هاگان و کارتی (1997)<sup>۲</sup> بیکاری و بی‌سپناری را دو عامل تأثیرگذار برای ورود به روسپی‌گری خیابانی می‌دانند. بر مبنای تحقیقات انجام‌شده فارلی و بارکان<sup>۳</sup> (1998) در کانادا، سن یکی از عوامل مرتبط با ورود زنان به عرصه روسپی‌گری است که نشان می‌دهد، بیشتر روسپیان بزرگ‌سال فعالیت خود را از اوایل دوره نوجوانی آغاز کرده‌اند. فرار از خانه، به‌منزله متغیرمدخله‌گر، سوءاستفاده جنسی را با روسپی‌گری مرتبط می‌سازد. فرار غالباً نوعی سازوکار دفاعی است که در پی سوءاستفاده جنسی اتفاق می‌افتد و سوءاستفاده جنسی، عاملی است که در بیشتر موارد در میان روسپیان وجود دارد. روسپی‌گری به‌عنوان یکی از اثرات درازمدت سوءاستفاده جنسی، از مؤلفه‌هایی است که از پشتوانه تجربی زیادی در تحقیقات انجام‌شده برخوردار است.

زیگمن (1999)<sup>۴</sup> در تحلیل نظری روسپی‌گری بر نظریات انتقادآمیزی تأکید می‌کند

- 
1. Hardman
  2. Hagan & Karti
  3. Farley
  4. Zigman



که زن روسپی را قربانی ساختارهای سرمایه‌داری و اجتماعی تصور می‌کنند که امکانات اقتصادی را برای زنان تأمین نمی‌کند.

مطالعه مونته<sup>۱</sup> (2000) در ایالات متحده آمریکا نشان داد مشتریان روسپی بین ۱۸ تا ۸۴ سال سن داشتند و در درجه اول از طبقه کارگر بودند. در پژوهش دالا<sup>۲</sup> (2000) وجود رابطه معنادار بین مصرف مواد مخدر و رفتار انحرافی گزارش شده است که طی آن ۶۰ درصد زنان مصرف‌کننده کوکائین سابقه روسپی‌گری داشتند. ۶۶ درصد روسپیان قبل از این‌که به انحراف کشیده شوند، مواد مخدر مصرف می‌کردند. مطالعه بیندل<sup>۳</sup> (2012) در لندن نشان داد افراد روسپی بیشتر افرادی بودند که در دوران کودکی خشونت را تجربه و با محدودیت منابع مواجه بودند.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد، دیده‌تن‌فروشی چه برای پژوهشگران داخلی و چه خارجی، به‌عنوان مسأله‌ای اجتماعی، موضوعی قابل‌بررسی بوده و به ابعاد گوناگونی از آن پرداخته شده است. به‌ویژه پژوهش‌های داخلی به‌صورت کلی و از زوایای دور، علل و چرایی تن‌فروشی را موردتوجه قرار داده و یا اینکه به مطالعه‌ی پیامدهایی از جمله ابتلا به بیماری‌های مقاربتی پرداخته است. نکته‌ی حائز اهمیت این است که در اکثر آن‌ها از روش کمی استفاده شده، این در حالی است که روش کیفی می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای پرداختن به مسأله از زوایای مختلف باشد. به‌علاوه همان‌طور که اشاره شد، این مطالعات به‌صورت کلی بوده و از نگاه سوم شخص پیرامون آن صحبت شده و سهم مطالعات جامعه‌شناختی در ارتباط با بسترها و پیامدهای اجتماعی فرهنگی و همچنین ثبت تجارب و روایت‌های زنانی که چنین تجربیاتی دارند بسیار کم است.

### چارچوب نظری

با توجه به نوع نگاه روش‌شناسی پژوهش کیفی و روش پدیدارشناختی، محقق به هنگام

---

1. Monto

2. Dalla

3. Bindel

مطالعه بسترها و دلایل شکل‌گیری پدیده روسپیگری و جهت درک معانی الصاق شده به پدیده مدنظر به بازسازی نظام معنایی مورد کنشگران دست‌می‌زند و با ارائه توصیفی از شرایط اجتماعی به شناخت و توصیف‌های ریز و میکروسکوپی که هر کدام بر معنایی خاص صورت گرفته است اقدام می‌کند. در این پژوهش نظریه‌ها در راستای حساسیت نظری ارائه می‌شود. بدین جهت رویکردها و تبیین‌های نظری مطرح در زمینه روسپیگری را می‌توان به دو گروه کلی و خرد تقسیم نمود:

گروه اول، تأکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جامعه در تبیین بروز رفتارهای انحرافی دارند. گروه دوم، بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی در تبیین رفتارهای انحرافی تأکید می‌کنند. یکی از رایج‌ترین تبیین‌های ساختاری نظریه مری داگلاس<sup>۱</sup> (1992) مبنی بر تحلیل خطرپذیری در جامعه‌ای است که واقعیت خطر را با درک خطر نادیده گرفته است. معمولاً جامعه‌شناسان مسأله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های بیشتر مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (Robington, 2003: 13). همچنین طبق رویکرد کنترل اجتماعی، محیط آلوده و تحت کنترل شدید هر دو می‌تواند در جرائم جنسی دخالت مستقیم داشته باشند. در رویکرد برجسب، انحراف جنسی (به کسانی که تازه پا در مسیر انحراف گذاشته‌اند) در نهایت می‌تواند موجب پذیرش انحراف جنسی باشد (Sotoudeh, 1997: 156).

در سطح خرد یعنی در بافت خانواده نیز قاعده‌تأ سلامت جنسی تابع سبک زندگی، الگوی تعامل، انتظارات از زندگی، وفاداری زوجین و مجموع عناصر سخت و نرم زندگی مشترک است. بر اساس نظریه انتقال فرهنگی، انحرافات جنسی می‌تواند از طریق معاشرت با دوستان ناباب انتقال یابد. در نظریه فشارهای ساختاری؛ فشارهای ساختاری در محیط مانند فقر، ممکن است برخی از مردم را وادار به انحراف سازد. اگینو معتقد است سه منشأ کلی وجود دارد که یکی از آن‌ها عدم موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماعی است، دومین منبع فشار، حذف وقایع با ارزش از نظر اجتماعی است، مثلاً از دست

---

1. Douglas

دادن نزدیکان، طلاق پدر و مادر، اخراج از شغل یا مدرسه. منشأ سوم فشار تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی است که این شامل تجربیاتی مانند سوءاستفاده جنسی از کودکان، قربانی یک واقعه جنایی شدن و تنبیه‌های لفظی و جسمانی است. آگینو<sup>۱</sup> معتقد است که این فشارها تمایل به انحرافات را در فرد ایجاد می‌کند این که جرم و جنایت واقع شود یا نشود بستگی به موقعیت فرد و شرایطی دارد می‌تواند با این وقایع نامطلوب بسازد، مبارزه کند یا با اشکال کج‌رفتاری خشم خود را نشان دهد. از این رو داگلاس استدلال می‌کند که ریسک‌پذیری غیرمنطقی ویژگی شخصیتی کج‌ومعوج نیست بلکه به‌عنوان یک نقص در شخصیت شناخته می‌شود زیرا این مدل مغرضانه برداشت از ریسک در جامعه صنعتی مدرن است. داگلاس ادعا می‌کند که فرهنگ ریسک‌پذیری، فرهنگ ریسک‌پذیری را از بین برده است و این تعصب باید اصلاح شود تا درک خطر به‌عنوان یک انتخاب در جامعه اصلاح شود. داگلاس پیشنهاد می‌کند با توجه به رابطه بین فرد و دیگران در جامعه، سلفی گرفتن هم در معرض خطر یا ریسک‌پذیری است (Douglas, 1992: 102). به همین جهت موقعیت‌هایی که تفکر آکادمیک را در مورد رابطه بین نابرابری و روسپیگری نمایانگر می‌سازد؛ (۱) تن‌فروشی اصولاً یک‌نهاد روابط جنسیتی سلسله‌مراتبی است که استثمار جنسی زنان توسط مردان را مشروعیت می‌بخشد و (۲) تن‌فروشی نوعی کار استثمارشده است که چندین شکل نابرابری اجتماعی (از جمله طبقه، جنسیت و نژاد) باهم تلاقی می‌کنند (Benoit, 2018: 14). همچنین نظریه اقتصادی روسپی‌گری ادلونند و کورن<sup>۲</sup> در پاسخ به اینکه چرا روسپی‌ها درآمد بالایی دارند؟ درحالی‌که به نظر می‌رسد روسپی‌گری شغلی باشد که نیاز به مهارت بسیار اندکی دارد و هزینه‌های جاری آن هم قابل توجه نیست ولی در زمره مشاغل پردرآمد قرار گرفته است. معتقدند، همسران و روسپی‌ها دقیقاً مثل هم نیستند. در حقیقت همسر یک مرد از نظر اقتصادی بسیار برتر از یک روسپی است و می‌تواند در رابطه اقتصادی تعریف‌شده وی را کالای بهتری نسبت به روسپی‌ها دانست. کالای برتر کالایی است که با افزایش درآمد

1. Agino

2. Edlund & Korn

میزان استفاده از آن بیشتر می‌شود و کالای پست که فواحش هستند با افزایش درآمد تمایل به استفاده از آن‌ها تقلیل پیدا می‌کند. ادلونند و کورن با استناد به این نظریه بیان می‌کنند که روسپی‌گری در کشورهای صنعتی و اقتصادهای ثروتمند دنیا کمتر از کشورهای فقیر دیده می‌شود و تقاضا برای آن کمتر است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که روسپی با همسر دارد برقراری رابطه جنسی بارور است که منجر به تولد فرزندی در خانواده شود. همسران این‌گونه رابطه را برقرار می‌کنند درحالی‌که فواحش در این بخش هیچ فعالیتی ندارند. برمبنای داده‌های جمع‌آوری‌شده در دوره‌های زمانی مختلف و در مکان‌های متفاوت همواره روسپی‌ها در زمره افراد پردرآمد دوره خود بوده‌اند و از دخترانی که مشاغل دیگر را برای تأمین نیازهای مالی زندگی خود برگزیده‌اند درآمد بیشتری به دست می‌آورند؛ بنابراین زنان روسپی برای جبران هزینه فرصتی که به دلیل شغل خود از دست می‌دهند و فرصت ازدواج را از بین می‌برد باید دستمزدهای بالاتری دریافت کنند (Cerrone et al, 2014: 34).

در نگاه فمینیست‌های سوسیالیست هم زنان تنها به دلیل اجبار و فقر وارد این تجارت می‌شوند اما در این بین داغ ننگ، فشار اجتماعی است که با تعداد نامتناهی از صفات، شرایط، وضعیت سلامت و گروه‌های اجتماعی وابسته به زمینه و بستر اجتماعی پیوند خورده است. پدیده‌ای که نطفه آن در ذهن انسان بسته می‌شود، در عرصه کنش متقابل تولد می‌یابد و گستره خویش را وابسته به مهیا بودن شرایط رشد خویش با توجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌پروراند و عرصه‌های گوناگونی را جولانگاه خویش می‌کند. در نظریات جرم‌انگاری<sup>۱</sup>، کار جنسی می‌تواند ننگ اجتماعی را بیشتر محکم کند و آسیب‌پذیری زنان روسپی را نسبت به خشونت افزایش دهد (Haixia, 2019:52). کارگران جنسی ممکن است سطوح مختلفی از انگ، یعنی انگ اجتماعی، انگ ساختاری و خود انگ را تجربه کند (Kurijan, 2002; Chan & luke, 2017). انگ اجتماعی نگرش‌ها و اعتقاداتی است که عموم مردم نسبت به جمعیت انگ زده دارند؛ انگ

ساختاری به روش‌های مشروعیت و تداوم انگ توسط نهادها اشاره دارد ( Kurijan & lahm, 2007: 21). به‌عنوان مثال، کلیشه‌های ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در مورد کارگران جنسی زن ممکن است منجر به امتناع از درمان، مراقبت‌های بهینه، تحقیر، نقض محرمانه بودن و حریم خصوصی و سایر اشکال تبعیض شود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش در زمره تحقیقات اکتشافی، به لحاظ نوع پژوهش کاربردی و به لحاظ استراتژی پژوهش دارای استراتژی استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در زمره طرح پژوهش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. به جهت تناسب روش‌شناسی کیفی برای کشف پیچیدگی‌ها و زوایای پنهان یک پدیده، برای تفسیر تجارب زیسته متفاوت و جهان ذهنی و عینی زنان از روش‌شناسی کیفی بهره گرفته شده است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه ۱۲ نفر از زنان روسپی (تن فروش) در شهر خرم‌آباد می‌باشد که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. در بین راهبردهای ده‌گانه‌ای که پاتن برای نمونه‌گیری مطرح کرد دو راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و نمونه‌گیری گلوله برفی به دلیل ارزش‌های اخلاقی و شرعی جاری در جامعه به کاررفته است (Patton, 1994: 52).

در ارتباط با انتخاب مشارکت‌کنندگان، در مرحله اول با همکاری مرکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی استان خرم‌آباد به افرادی که تجربه روسپی و در مناطق حاشیه بوده‌اند، افرادی برای مصاحبه انتخاب شده است و در نهایت در مطالعه حاضر نیز مصاحبه با ۱۲ شرکت‌کننده برای فهم پدیده روسپی در قالب گفتگوی دوستانه تا اشباع نظری داده‌ها انجام گرفت در این مرحله پژوهشگران احساس کردند که اطلاعات به‌دست آمده از شرکت‌کنندگان تکراری است و چیزی جدیدی به مصاحبه‌ها اضافه نمی‌شود. در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شده است. بعد از ضبط هر مصاحبه از داده‌های حاصل از مصاحبه، رونوشت برداشته می‌شود و رونوشت برداری نیز توسط محقق انجام می‌گرفت. مدت زمان مصاحبه ۳۵ دقیقه بود، زمان

و مکان مصاحبه‌ها توسط خود شرکت کنندگان به دلخواه تعیین می‌شد با لحاظ معیار اشباع نظری درباره تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد.

برای تحلیل پدیدارشناختی داده‌ها روش تحلیل مضمون بوده است. از این روش برای توصیف و تفسیر تجربه شرکت کنندگان مورد استفاده قرار گرفت. در تمامی شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی تحلیل مضمون بسیار مناسب برای کسب ساختار معنا در مجموعه‌ای از داده‌ها است که بر روی تجربه ذهنی انسان‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد تأکید بر ادراک مشارکت کنندگان، احساسات و تجربیات آن‌ها از موضوع مورد مطالعه است؛ که شامل شش مرحله نزدیک شدن به داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی تم‌ها، مرور و بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و تهیه گزارش است. همچنین جهت بررسی اعتبار یافته‌های مصاحبه، از تکنیک خود بازبینی محقق و تثلیث داده‌ای استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

تحلیل اطلاعات نشان داد، از ۱۲ زن روسپی مورد بررسی، ۶۶/۷ درصد مطلقه، ۵۰ درصد زیر دیپلم، ۸۳/۳ درصد بیکار، ۶۶/۷ درصد در حاشیه شهر زندگی می‌کردند، ۴۴/۴ درصد زیر یک سال زندگی مشترک داشتند. ۴۴/۴ درصد کمتر از ۲۰ سال و ۶۶/۸ درصد زیر ۲۵ سال ازدواج کرده بودند. ۴۴/۴ درصد بیش از دو بار و ۳۳/۳ درصد یک بار ازدواج کرده بودند. ازدواج بیش از ۶۶ درصد افراد اجباری و ۳۳ درصد اختیاری و با مشورت بود. ۵۵/۵ درصد دارای یک فرزند بودند. ۷۵ درصد با خانواده زندگی نمی‌کردند. ۳۳ درصد زیر ۲۵ سال و در مجموع ۵۸ درصد تا ۳۵ سال سن داشتند. سن آغاز روسپیگری ۱۶/۷ درصد زیر ۲۰ سال و ۴۱/۷ درصد زیر ۳۰ سالگی بود. ۵۸/۳ درصد افراد قبل از آغاز تن‌فروشی دارای سوء پیشینه و ۵۸ درصد قبل از این کار مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند. ۷۷ درصد افراد به هنگام روسپیگری دارای فرزند بودند. ۸۳/۳ درصد دارای دوست روسپی بودند. نتایج این بخش از تحقیق توسط نتایج بسیاری از نظریات و تحقیقات داخلی و خارجی، تأیید شد. باقری و اورنگ در خصوص عوامل تأثیرگذار بر روسپیگری، به عوامل متعددی همچون ضعف وضعیت اقتصادی، تحصیلات پایین، فرار از خانه، سوء استفاده

جنسی، اعتیاد به مواد مخدر، وضعیت نامناسب خانوادگی (طلاق و خشونت والدین) ازدواج توأم با اجبار والدین در سنین پایین و اختلاف سنی زیاد زوجین اشاره کردند. یافته‌های این پژوهش نتایج تحقیقات پیشین را تأیید نمود. مطالعه‌ای در لندن نشان داد افراد روسپی بیشتر افرادی بودند که در دوران کودکی خشونت را تجربه و با محدودیت منابع مواجه بودند (66). (9). Bindel, 2012: 2009). در صد روسپیان قبل از این که به انحراف کشیده شوند، مواد مخدر مصرف می‌کردند (40). (Dala, 2000: 2000). رابرت فاریس و وارن دانهام معتقدند میزان بالای تحرک در بیشتر مناطق ناآرام و یا حاشیه‌ای، میزان بالایی از جرائم و انحرافات در این مناطق به وجود می‌آورد (175). (Moral, 2013: 2013). پارک و همکارانش نیز معتقدند جامعه‌ی شهری فاقد نظام اجتماعی همگون و یگانه است و همچنین فاصله‌ی طبقاتی در شهر بسیار زیاد و نرخ حضور مهاجرین بالاست؛ بنابراین میزان جرائم در شهر به‌ویژه در حاشیه‌ی آن بالاست (76). (Park, 1928: 1928).

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 1. Profile of research participants

درصد	فراوانی	وضعیت	سؤالات
25	3	مجرد	وضعیت تأهل
8.3	1	متاهل	
66.7	8	مطلقه	
100	12	کل	
25	3	بلی	با خانواده زندگی می‌کنید
75	9	خیر	
100	12	کل	
50	6	زیر دیپلم	تحصیلات
33.3	4	دیپلم	
16.7	2	فوق دیپلم و لیسانس	
100	12	کل	
16.7	2	شاغل	اشتغال

درصد	فراوانی	وضعیت	سؤالات
83.3	10	بیکار	
100	12	کل	
25	3	شهر	محل زندگی
66.7	8	حاشیه شهر	
8.3	1	روستا	
100	12	کل	
33.3	4	کمتر از 25 سال	سن در زمان انجام مصاحبه
25	3	25-35	
16.7	2	35-45	
16.7	2	45-55	
8.3	1	55+	
100	12	کل	
16.7	2	18-20	سن آغاز روسپیگری
25	3	30-20	
41.7	5	40-30	
8.3	1	50-40	
8.3	1	50+	
100	12	کل	
44.4	4	زیر یک سال	مدت زمان زندگی مشترک
33.3	3	یک تا سه سال	
22.2	2	سه تا پنج سال	
100	9	کل	
44.4	4	کمتر از 20	سن ازدواج
22.2	2	25-20	
22.2	2	35-25	
11.1	1	35+	
100	9	کل	
66.7	6	اجباری	نوع ازدواج
33.3	3	با مشورت فرد	
100	9	کل	دفعات ازدواج
33.3	3	1	
44.4	4	2	
22.2	2	3	
100	9	کل	



درصد	فراوانی	وضعیت	سؤالات
22.2	2	ندارد	تعداد فرزندان
55.5	5	1	
11.1	1	2	
11.1	1	3 و بیشتر	
100	9	کل	
77	7	بلی	انجام فعل با داشتن فرزند
23	2	خیر	
100	9	کل	
83.3	10	بلی	حضور روسپی در بین دوستان
16.7	2	خیر	
100	12	کل	
58.3	7	بلی	سوءاستفاده جنسی قبل از انجام
41.7	5	خیر	
100	12	کل	
58.3	7	بلی	داشتن سوء پیشینه قبل از انجام
41.7	5	خیر	
100	12	کل	

با توجه اینکه نتایج حاصل از مرحله کیفی پژوهش مرجع اصلی تدوین الگوی مفهومی است، در ذیل به سؤال اصلی مطالعه حاضر که زنان روسپی چه معنایی از روسپی و تن‌فروشی در ذهن دارند اشاره خواهیم نمود. تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۲۱۰ کد اولیه، ۱۷۵ مضمون فرعی و ۱۹ مضمون یا درون‌مایه اصلی شده است. در جدول ۲ مقولات فرعی و مقوله اصلی ارائه شده است که در خلال تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند. در زیر به اختصار هریک از زیر مقولات و مقوله اصلی مطرح می‌شود.

#### ادراک معنایی گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری)

در بررسی مصاحبه شرکت‌کنندگان از لحاظ معنایی گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری) را در سناریوی عادی شدن و یادگیری به واسطه طلاق، انتقام از همسر، کسب

درآمد، نوع متفاوت نگرش آنان نسبت به ارضای نیازهای جنسی و روحی، رواج ناهنجاری اخلاقی، نگاه منفعت طلبانه به روابط اجتماعی علی‌رغم خستگی و تمایل برگشتن به زندگی عادی، مقوله‌هایی بودند که زنان به‌عنوان نوع ادراک خود از تن‌فروشی بیان نمودند.

جدول ۲. مفاهیم و مقولات مرتبط با ادراک معنایی زنان روسپی از عمل خود

Table 2. Concepts and categories related to the semantic perception of prostitutes of their actions

مقوله	زیر مقوله	نظرات
عادی شدن و یادگیری به‌واسطه طلاق	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عادی بودن به خاطر انگ</li> <li>• مطلقه بودن</li> <li>• تن‌فروشی به‌مثابه امر عادی</li> <li>• عدم منع اخلاقی بین مطلقه‌ها</li> <li>• تقلید مطلقه‌ها از هم</li> <li>• نبود محدودیت</li> <li>• نداشتن حامی مالی و عاطفی</li> <li>• رفع افسردگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ما که بعد طلاق در معرض انگ بودیم چرا نکنیم.</li> <li>• در جامعه تا زنی مطلقه میشه همه فکر می‌کنند تن‌فروش است.</li> <li>• مردان تا می‌فهمند مطلقه‌ای با دید روسپی بهت نگاه می‌کنند.</li> <li>• الان در جامعه کار عادی برای هر کس، بخصوص مطلقه‌ها.</li> <li>• ما مطلقه‌ها همدیگر می‌شناختیم در انجام آن محدودیتی نداشتیم.</li> <li>• حمایت مالی و عاطفی بعد طلاق نداشتیم این کاره شدیم.</li> <li>• مطلقه بودیم با هم ارتباط داشتیم و شیوه‌اش یاد گرفتیم از هم.</li> <li>• بعد طلاق این کار نکنیم افسرده می‌شیم.</li> </ul>
انتقام از همسر	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حس تنفر و انتقام از همسر</li> <li>• خیانت کار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• زمان زندگی مشترک همسرم بهم خیانت کرد من هم تلافی کردم بعد عادت‌م شد.</li> <li>• خیانت همسرم فقط با خیانت می‌توانستم جبران کنم تا آرام شوم.</li> </ul>
کسب درآمد	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نداشتن شغل دیگر</li> <li>• تأمین مایحتاج</li> <li>• زندگی و رفاه بیشتر</li> <li>• نداشتن حامی مالی</li> <li>• کم بودن کمک مالی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بعد طلاق دنبال کار گشتم گیرم نیومد تنها راه کسب درآمد است الان.</li> <li>• من خودم و سه فرد دیگر خانواده را باید تأمین کنم کمیته امداد خیلی ناچیز کمک می‌کنه مجبورم.</li> <li>• کمک کمیته امداد کفاف یک هفته ما را هم نمی‌دهد</li> </ul>

مقوله	زیر مقوله	نظرات
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نهادهای دولتی</li> <li>• بالا بودن مخارج فرزندان و خودم</li> <li>• سرپرستی سایر اعضاء خانواده</li> </ul>	<p>از کجا بخوریم.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• من هم آدمم دل دارم نیازهام کجا تأمین کنم مجبورم.</li> <li>• دوست داشتم مثل خواهرم زندگی مرفه‌ای داشته باشم.</li> <li>• در نظر گرفتن به‌عنوان یک منبع درآمد.</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوع متفاوت</li> <li>• نگرش آنان</li> <li>• نسبت ارضای نیازهای جنسی و روحی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• لذت بردن و ارضای نیازهای جنسی</li> <li>• جبران محبت و حمایت عاطفی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• درست من همسر دارم ولی نیازهام ارضاء نمی‌کنه.</li> <li>• بعد طلاق برای ارضا نیازهام مجبور به انجام کار شدم.</li> <li>• نیازهای جنسی برطرف میشن درآمد هم تأمین میشه.</li> <li>• از بچگی دچار خلأ عاطفی بودم و این کمک کرد به تأمین عاطفی‌ام.</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• رواج ناهنجاری اخلاقی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• سست شدن بنیاد خانواده</li> <li>• سست شدن اخلاقیات</li> <li>• سست شدن باورهای دینی</li> <li>• سست شدن تعهدات خانواده</li> <li>• ریختن قبح فساد اخلاقی</li> <li>• عدم نگرانی از افشاء شدن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طبیعی مردانی که با ما لف‌ونشر دارند نسبت به زن و زندگی شون سرد میشن.</li> <li>• کار ما باعث رواج بی‌اخلاقی میشه.</li> <li>• کار من نوعی بی‌اعتنایی به امور دینی و شرعی است.</li> <li>• کار من سبب بی‌تعهدی مردان نسبت به خانواده میشه.</li> <li>• بعد از چندبار انجام، نسبت به افشاء شدن بی‌خیال میشیم و در جامعه عادی میشه.</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نگاه منفعت طلبانه به روابط اجتماعی</li> <li>• علی‌رغم خستگی و تمایل برگشتن به زندگی عادی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• رضایت نداشتن</li> <li>• خسته شدن</li> <li>• لذت نبردن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• از خودم متنفرم می‌خواهم به جامعه برگردم ولی نمیدونم با نیازهای جنسی و اقتصادی‌ام چکار کنم.</li> <li>• از خود خسته شدم که در این رابطه گاهی تا حد مرگ و تهدید هم رفتم.</li> <li>• کاش جامعه کمی به فکر نیازهای جنسی و اقتصادی زنان مطلقه بود که مجبورند برگردند سربار خانواده تا مجبور به این کار نشیم.</li> <li>• شرکای جنسی دوست ندارند ما لذت ببریم چون پول میدن. احساس خستگی می‌کنم از این کار تکراری.</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• حاضر به ترک آن نشدن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بخشندگی خدا</li> <li>• لذت بردن</li> <li>• عادت کردن</li> <li>• منبع درآمد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• خدا بزرگه و بخشنده ما هم گناهی نکردیم مال مردم که نخوردیم.</li> <li>• آگه نباشه شادی و لذت ندارم.</li> <li>• عادت کردم نمیتونم برگردم.</li> </ul>

مقوله	زیر مقوله	نظرات
		<ul style="list-style-type: none"> <li>• منبع درآمد منمیتونم برگردم.</li> <li>• من آگه این کار نکنم چطور زندگی ام تأمین کنم.</li> <li>• کسی بیاره بده به من تا بخورم و تأمین ام کنه، ترک می کنم.</li> </ul>
برتری به صیغه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در دسر صیغه را نداشتن</li> <li>• عدم تفاوت با صیغه</li> <li>• محدودیت داشتن صیغه</li> <li>• کم بودن درآمد صیغه</li> <li>• در دسر رعایت مدت صیغه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• از صیغه خوشم نمیاد چون محدودیت می کنند.</li> <li>• صیغه که میشی باید در بند یک نفر باشی و هر طور که دوست داشته باشه ولی این راحتی.</li> <li>• بدن خودمه دوست دارم این مدلی زندگی کنم به کسی ربطی نداره.</li> <li>• مگه اون وقت که من به زور شوهر دادند به نیازهام توجه کردند که حالا بخوام با صیغه ابرو خانواده را حفظ کنم.</li> <li>• در جامعه، اخلاق سست تر از این است که با این کار کوچک من بخواد بی اخلاقی رواج پیدا کنه حالا بخوام صیغه بشم که شرعی بشه.</li> <li>• صیغه درآمد کافی نداره.</li> <li>• صیغه هم نوعی تن فروشی با کلاه شرعی ولی محدودیت زیاد.</li> </ul>

گرایش به روابط غیر اخلاقی (روسپی گری) به عنوان بار منفی روسپیگری؛ این دیدگاه معنایی بیش تر متعلق به شرکت کنندگانی بود که طلاق گرفته بودند و این عمل را برای فرد مطلقه، عادی تلقی می دانستند به طوری که اعتقاد داشتند بعد طلاق جامعه عموماً با همین دید تن فروش به فرد مطلقه نگاه می کنند در نتیجه انگ و برچسب به فرد زده می شود. به عبارتی طبق تعریف کلاسیک از انگ<sup>۱</sup>، ارائه شده توسط آروین گافمن<sup>۲</sup> (1963)، استیگما یا انگ "یک ویژگی نامطلوب یا بی اعتبار است که یک فرد از آن برخوردار است، بنابراین وضعیت آن فرد را در نزد جامعه کاهش می دهد. استیگما فرآیندی است که

1. Stigma  
2. Erving Goffman

طی آن عضو گروه انگک دار دارای یک هویت کم‌ارزش است. کارگران جنسی زن (FSW<sup>۱</sup>) در سراسر جهان انگک زده می‌شوند و به حاشیه رانده می‌شوند. آن‌ها به‌طور کلی در جامعه پذیرفته نیستند و به‌عنوان مجرمان، مزاحمت‌های غیراخلاقی، انحرافات جنسی و ناقلین و مخازن بیماری در نظر گرفته می‌شوند. جرم انگاری<sup>۲</sup>، کار جنسی می‌تواند ننگ اجتماعی را بیشتر محکم کند و آسیب‌پذیری زنان روسپی را نسبت به خشونت افزایش دهد (Hosseini, 2002: 34).

گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپی‌گری) به‌عنوان آخرین راه چاره؛ طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، طلاق گرایش به روابط غیراخلاقی را برای تأمین نیازهای مادی و جنسی و رفع افسردگی راحت‌تر نموده است. نکته جالب توجه در این شاخص توجه به رحمانیت خداوند بود که از گناه می‌گذرد. بیان کردند گناه کبیره مال مردم خوردن و اختلاس و تن فرشی به علت رفع نیاز، گناه محسوب نمی‌شود. همچنین از نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان (مطلقه) "چون ما زنان خیابانی هم در ارتباط هستیم این عمل یاد می‌گیریم". همچنین طلاق را به "خار" تعبیر نموده‌اند. به نظر می‌رسد پیامدهای آن آزار زنان است. در دید جامعه زن مطلقه، زنی است که رها شده است و دیگران به راحتی از او سوءاستفاده جنسی می‌کنند (Zarei et al, 2017: 54).

گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپی‌گری) به‌عنوان حس انتقام از همسر؛ نکته جالب در بررسی نگاه زنان روسپی به داشتن روابط آزاد با جنس مخالف این بود که با وجود همسر، این کار را به خاطر حس انتقام از همسر خیانت‌کار خود انجام دادند و بعد از طلاق تغییر رویکرد داده بودند به رویکرد کسب درآمد. کسب درآمد یکی از شیوه‌های درک امر موردبررسی بود. همچنین این عمل برای اینکه شغل دیگری نداشتند و نیازهای خود و خانواده را تأمین می‌کنند، انجام می‌دهند و دوست دارند نیازهای مادی و جنسی

---

1 . Female Sex Workers

2 . Criminalization

آن‌ها تأمین شود تا بتوانند به زندگی عادی برگردند و این امر را باعث رواج بی‌هنجاری دانستند که در نهایت سبب سست شدن اخلاق، باورهای دینی و اخلاقیات خواهد شد. مشارکت‌کننده‌ای چنین روایت می‌کند: "تن‌فروشی آن‌ها سبب ریختن قبح فساد اخلاقی می‌شود و بنیان خانواده را سست می‌کند و توان برگشتن از این کار ندارند و با آن کسب درآمد و لذت می‌کنند."

### گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری) به‌عنوان راه‌هایی و انتقام از خانواده

مشارکت‌کنندگان پژوهش، روسپی‌گری را در مقایسه با صیغه، برتر و بهتر دانسته‌اند چون معتقد بودند در این عمل نسبت به صیغه محدودیت ارتباطی نیست و درآمد آن بیشتر است. همچنین مشارکت‌کنندگان پژوهش، در مقام انتقام از خانواده بودند که سبب ازدواج اجباری در آن‌ها شده بود و حالا داشتند با تن‌فروشی با عمل اجبار در ازدواج خود از خانواده انتقام می‌گرفتند.

### ابعاد معنایی عاملان در گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری)

گرایش به آزادی با جنس مخالف متشکل از ابعاد شخصی، جنسیتی و فرهنگی و اجتماعی است؛ بنابراین روسپیگری امری پیچیده و چندمعنایی است که برداشت‌های شخص، فرهنگ و اجتماع در تشکیل ساختمان آن مؤثر می‌باشد. شرکت‌کنندگان از لحاظ معنایی روسپی‌گری را، برون‌داد درگیری در چرخه مشکلات مالی، بی‌معنی بودن زندگی، نابسامانی خانواده، ضعف باورهای دینی، خشونت و بدبینی همسر را مهم‌ترین بسترهای روی‌آوری به روسپیگری بوده است.

جدول ۳. مقوله و زیر مقوله ابعاد معنایی عاملان در گرایش به روابط غیراخلاقی (روسپیگری)  
 Table 3. Categories and subcategories Semantic dimensions of perpetrators  
 in the tendency to immoral relationships (prostitution)

مقوله	زیر مقوله	نظرات
خیانت همسر	<ul style="list-style-type: none"> <li>داشتن ارتباط غیر شرعی همسر</li> <li>داشتن دوست دختر همسر</li> <li>رها بودن و آزاد بودن همسر در ارتباط با جنس مخالف</li> <li>بی‌اعتنایی به من و بچه‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>همسرم به صورت هم‌زمان با بیش از سه زن و دختر رابطه داشت.</li> <li>با وجود رابطه با زنان بیرون از خونه اصلاً به من توجه نمی‌کرد.</li> <li>اینقدر سرگرم ارتباط بیرون بود حتی توجه به بچه‌ها نمی‌کرد.</li> <li>بعد خیانت همسرم به دنبال فرصت تلافی بودم.</li> </ul>
بی‌معنی بودن زندگی	<ul style="list-style-type: none"> <li>نداشتن هدف</li> <li>ناامیدی در زندگی</li> <li>بی‌ارزشی خودم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بعد طلاق دیگه حس کردم در جامعه ارزش‌ام از دست دادم.</li> <li>بعد خیانت همسرم احساس ناامیدی و افسردگی داشتم.</li> <li>زندگی برام بی‌مفهوم بود کنار مردی که دوستش نداشتم.</li> <li>دوست نداشتم زنده بمونم چون سر بار خانواده شدم بعد طلاق.</li> </ul>
نابسامانی خانواده	<ul style="list-style-type: none"> <li>اعتیاد همسر و خودم</li> <li>خرید و فروش و مصرف مواد مخدر توسط والدین و همسرم</li> <li>ساقی مواد مخدر</li> <li>قمار به خاطر خرید مواد مخدر</li> <li>زندگی در خانواده‌های نابسامان</li> <li>جدایی پدر و مادرم</li> <li>مطلقه بودن خواهرم و تن‌فروشی او</li> <li>بی‌عاطفه بودن همسرم</li> <li>خشونت همسر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>از بچگی پدر و مادرم من ساقی مواد بار آوردند به خاطر لذت خودشون.</li> <li>همسرم معتاد بود و من مجبور بودم گاهی با دوستان نابابش تا صبح سرکنم.</li> <li>همسرم در حالت مستی گاهی من قمار می‌باخت و مجبور بودم به خواست دوستان قماربازش تن بدم.</li> <li>پدرم که مادرم طلاق داد رفت ازدواج مجدد کرد من و برادرم آزاد و رها شدیم من هم برای سرگرمی رفتم دنبال این کار ولی عادت کردم.</li> <li>بعد ازدواج فهمیدم همسرم هم مثل من اجباری با من ازدواج کرده ما هم را نمی‌فهمیدیم و لذتی نمی‌بردیم.</li> <li>همسرم جلو بچه‌ها و همسایه‌ها من کتک می‌زد.</li> <li>خواهرم بعد طلاق خونه ما بود ازش یادم گرفتم و عادت کردم.</li> </ul>

مقوله	زیر مقوله	نظرات
مشکلات مالی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مسئولیت تأمین مخارج دیگر اعضای خانواده</li> <li>• بدی وضعیت معیشت</li> <li>• ندادن نفقه</li> <li>• ضعف حمایت مالی و عاطفی خانواده و خویشاوندان</li> <li>• فقدان حمایت مالی دائمی نهادهای حمایتی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• من سرپرست چند نفر دیگر هم هستم و شغلی ندارم مجبورم.</li> <li>• همسرم من و بچه‌ها را رها کرده رفته دنبال دختری نفقه هم نمی‌ده.</li> <li>• کمیته امداد چندرغازی میده کفاف هیچی نیست بچه‌ام مریضه.</li> <li>• خانوادم بعد طلاق باهام قهر کردند تنها شدم نیاز دارم هم روحی هم مادی.</li> </ul>
ضعف باورهای دینی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بی معنی بودن حق و حقوق</li> <li>• بی معنی بودن آخرت و جزا</li> <li>• مالک خود بودن</li> <li>• کاهش فشار هنجارهای دینی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• هر وقت خدا با ظالم‌ها کاری نداره آخرت و جزا مسخره و بی مفهومه.</li> <li>• دوست دارم با بدنم لذت ببرم به کسی ربطی نداره.</li> <li>• الآن این کار عادی تو جامعه حالا یا صیغه میشن یا مثل ما هستن.</li> <li>• آگه واقعاً روز جزایی باشه باید اون کسی که باعث شده ما وادار به این کار بشیم عذاب بدن نه ما را.</li> </ul>
خشونت و بدبینی همسر	<ul style="list-style-type: none"> <li>• خودبرتربینی همسر و تحقیر من</li> <li>• بدبینی و انگ از طرف همسر</li> <li>• عدم ارضای نیازهای جنسی</li> <li>• ازدواج اجباری</li> <li>• خشونت فیزیکی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• همسرم و من ازدواج مون اجباری بود برای همین مدام دعوا داشتیم.</li> <li>• چون من از او باکلاس تر و بهتر بودم مدام بدبینی و انگ می‌زد.</li> <li>• همدیگر دوست نداشتیم برای همین خیلی کم هم خوابگی داشتیم.</li> <li>• برای اینکه برم درخواست طلاق بدم بدون مهریه، کتکم می‌زد.</li> <li>• پیش بچه‌ها مدام تیپ و خانواده‌ام مسخره می‌کرد تا تحقیر بشم.</li> </ul>

در این پژوهش همه زنان موردبررسی متأهل و مطلقه که روابط آزاد با جنس مخالف را تجربه کرده نموده‌اند خیانت همسر و حس انتقام گرفتن را مهم‌ترین علت روی آوری به این کار ذکر شده است. درواقع زنان متأهل در ابتدا با ذهنیت انتقام از همسر وارد این چرخه شدند و بعد از طلاق با رویکرد تن فروشی و کسب درآمد به آن نگاه کردند.



بر اساس بررسی پرونده‌های طلاق شهر تهران، خیانت، عامل ۸۰ درصد طلاق‌ها است. از آنجا که خیانت اساسی‌ترین جزء رابطه زناشویی را که همان اعتماد است را خدشه‌دار می‌کند، بنابراین آثار مخرب بسیار عظیمی در زندگی مشترک به‌جای می‌گذارد. در این میان، بیش از همه، همسری که مورد بی‌وفایی و خیانت واقع شده، آسیب می‌بیند و موجب مختل شدن سلامت روان و از دست دادن تعادل عاطفی و رفتاری وی خواهد شد و علاوه بر این مشکلات طلاق و از هم فروپاشیدن زندگی زناشویی، حس انتقام‌گیری، آسیب‌های روحی فرزندان از پیامدهای خیانت محسوب می‌شود.

بیش از نیمی از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش در بیانات خود اشاره کردند به خاطر بی‌هدف بودن در زندگی، نداشتن عزت‌نفس و ارزشمندی خود و همچنین ناامیدی از زندگی به این کار روی آوردند. منظور از معناداری زندگی، همان تفسیری است که افراد از تمام تجربه زیسته خود اعم از (رنج، خوشبختی، بی‌عدالتی، شر، سردرگمی و ...) در قالب نظامی نمادین کل هستی را در طرحی هدفمند توجیه‌پذیر می‌سازد. به عبارتی معناداری زندگی از سه عنصر هدفمندی، امیدواری و ارزشمندی تشکیل شده است. زمانی که این عناصر در زندگی زنان مطلقه کاهش می‌یابد بستری جهت روی‌آوری به تن‌فروشی محسوب می‌شوند. به‌نوعی اعتیاد خود فرد و همسرش، خرید و فروش مواد مخدر، طلاق و جدایی والدین، مطلقه بودن خواهر و روسپی بودن او، خشونت و بی‌عاطفه بودن همسر همگی از نشانه‌های خانواده نابسامان است. طبق نظریه فشار نقش ویلیام گود، هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید. در این شرایط روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی‌رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر کارکردهای کنشی متقابل ضعیفی دارد و نسبت به یکدیگر همدلی و هم‌حسی ندارند، بسترساز بزهکاری و انحراف می‌شود. ادوین ساترلند نیز در نظریه‌ی هم‌نشینی افتراقی، فرآیند تعاملات اجتماعی در گروه‌های بزهکار را مسئول رفتار مجرمانه می‌داند، اساساً در دیدگاه وی جرم حاصل یادگیری است. در نظریه‌ی ساترلند هم رفتار انحرافی موروثی و

ذاتی نیست، بلکه روش آموختن این رفتار همانند روش آموختن سایر رفتارهاست. کد تبیینی دیگری که در این پژوهش حاصل شد «فقر و بی‌پناهی» است که در ذیل آن، مسئولیت تأمین مخارج دیگر اعضای خانواده، بدی وضعیت معیشت، ندادن نفقه، ضعف حمایت مالی و عاطفی خانواده و خویشاوندان و فقدان حمایت مالی دائمی نهادهای حمایتی در پدیده روسپیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش قابل توجهی از زنان فاسد و روسپی، بعضاً به دلیل فقر و نیاز مالی برای امرار معاش خود و فرزندانی که تحت حمایت آن‌ها هستند به این سمت کشیده می‌شوند که با حمایت مالی از آن‌ها احتمال گرایش آن‌ها به سمت انحراف کمتر می‌شود؛ اما تعدادی از همین زنان نیز در شرایطی هستند که به دلیل کسب درآمد بالا از این راه و فراهم کردن زندگی تجملاتی، چنانچه برای تأمین معاش آنان در حد یک زندگی متوسط، تحت پوشش و حمایت مراکز و افراد خیر قرار گیرند، بازهم به گناه و ادامه مسیر گذشته اصرار می‌ورزند. این‌گونه افراد، برخورد ویژه‌ای را می‌طلبند و حتی پس از بازپروری و بازسازی شخصیت، باید دائماً و حساب‌شده، تحت کنترل و مراقبت قرار داشته باشند. شرکت کنندگان تأمین نیازهای معیشت و دریافت نکردن نفقه و کوتاهی نهادهای حمایتی دولتی و گاهاً سرپرستی و تأمین نیازهای سایر اعضای خانواده را از دلایلی برشمردند که بستر را برای گرایش به روابط غیراخلاقی فراهم ساخته است. از آنجایی که زنان مطلقه سرپرست خانوار شغل مناسبی ندارند با توجه به تحقیقات پیشین، نداشتن درآمد کافی و سرپرستی سایر اعضای خانواده زنان مطلقه یا زنان سرپرست خانواده بسترساز روی‌آوری زنان به نابهنجاری‌های اجتماعی است. در نظریه هاردمن روی‌آوری برخی از زنان به فحشاء را متأثر از فقر مالی و اقتصادی و نشانه مقاومت یا پاسخی به فقر در نظر می‌گیرند (Hardman, 1989: 67). ضعف باورهای دینی مضمون معنایی دیگری است که زنان در توجیه گرایش به روابط آزاد با جنس مخالف به آن اشاره نموده‌اند. بی‌اعتنایی به رعایت حق و حقوق دیگران، مالک بودن بر بدن خود هم از عواملی بود که در این خصوص بیان شد. برخی نیز این کار خود را هم‌رنگی با جامعه دانستند و معتقد بودند الآن در جامعه ما شاهد ضعف باورهای دینی هستیم و اکثر افراد اعتقاد خود را

از دست دادند.

کمترین درصد برای دلیل روی آوری زنان به تن فروشی خشونت و تحقیر از جانب همسر عنوان شد. خشونت فیزیکی، تحقیر و انگ و بدبینی از عللی بودند که زنان تن فروش به آن‌ها اشاره کردند. نرخ خشونت علیه زنان در ایران در طیفی از ۳۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده است. دقیق‌ترین نرخ همسر آزاری کشور مربوط به پیمایش ملی است که نرخ خشونت روانی و جسمی علیه زنان در ایران را ۶۶ درصد برآورد نموده است (Mohammadkhani, 2010: 14).

با تدقیق در مضامین به دست آمده از مصاحبه مشارکت کنندگان، برخی بیان نمودند از طرف همسر دچار خشونت فیزیکی شدند، بدون اینکه عملی از آن‌ها سرزده باشد از طرف همسر انگ این کار خوردند در نتیجه برای آن‌ها انجامش عادی شده است. برخی بیان کردند از جانب همسر تحقیر شدند و عزت نفس خود را از دست دادند و برای اینکه خود را از این تحقیر رها کنند به این کار روی آورند و به مرور زمان عادت کردند. در مبحث ویژگی‌های جمعیت شناختی مشاهده شد که بیش از ۶۶ درصد افراد متأهل دارای ازدواج اجباری بودند. طبیعتاً این قضایا باهم مرتبط هستند.

### رفتارهای جنسی پرخطر و محافظت نشده جنسی زنان

بر اساس مضامین به دست آمده از مصاحبه‌ها، عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از وسایل پیشگیری، پایبند نبودن به توافق در شیوه انجام و پرداخت هزینه، نداشتن امنیت جانی و تهدید روحی مهم‌ترین رفتار پرخطر تجربه شده زنان روسپی می‌باشد. یکی از رفتارهای جنسی پرخطر تجربه شده زنان روسپی، عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از وسایل پیشگیری است. زنان مشارکت کننده این پژوهش بیان نمودند که افرادی که با آن‌ها رابطه جنسی برقرار می‌کنند حاضر به استفاده از وسایل پیشگیری مانند کاندوم نیستند و در صورتی که استفاده شود حاضر به برقراری ارتباط نمی‌شوند. بنا بر اظهارات مشارکت کنندگان عدم پایبندی شرکای جنسی در شیوه انجام و هزینه توافقی را به عنوان رفتار پرخطر عنوان نمودند. بسیاری به خشونت به کار گرفته و انجام عمل با نوعی حس

انتقام به خاطر دادن هزینه، اشاره کردند. در تعداد زیادی قبل از انجام عمل، فرد مجبور به مصرف مواد و مشروبات شده بود و در حالت جنون با وی ارتباط برقرار کرده بودند. گاه حالت جنون سبب درگیری فیزیکی و آسیب جدی به فرد شده بود.

نداشتن امنیت جانی از موارد دیگر رفتار پرخطر بود و افراد به خاطر ترس از فاش شدن رابطه، زنان تن‌فروش را تهدید به مرگ خود یا عزیزانشان کرده بودند. بسیاری از افراد از تن‌عریان زنان عکاسی و فیلم‌برداری نموده و به‌عنوان ابزار تهدید یا اخاذی استفاده می‌کردند و یا تهدید می‌کردند شماره تلفن و مشخصات افراد را به فامیل و آشنا زنان می‌دهند و با این تهدید به دفعات از زنان سوءاستفاده مجانی شده بود و حتی چند مورد با این اخاذی و تهدید، زن را مجبور به دادن وجه مادی ماهیانه کرده بودند.

جدول ۴. مقوله و زیر مقوله رفتارهای جنسی پرخطر تجربه‌شده زنان روسپی

Table 4. Categories and subcategories of high-risk sexual behaviors experienced by prostitutes

مقوله	زیر مقوله	نظرات
عدم تمایل به استفاده از وسایل پیشگیری	<ul style="list-style-type: none"> <li>عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از کاندوم</li> </ul>	<p>شریک جنسی که پول می‌دهد توقع استفاده از کاندوم ندارد.</p> <p>بفهمند کاندوم استفاده کردیم تهدید می‌شویم.</p> <p>اگر کاندوم استفاده کنی حاضر به برقراری رابطه نمی‌شوند.</p>
پایبند نبودن به توافق در شیوه انجام و پرداخت هزینه	<ul style="list-style-type: none"> <li>نپرداختن کامل هزینه وعده داده‌شده</li> <li>تجاوز گروهی برخلاف توافق رابطه فردی</li> <li>اجبار درماندن در محل و عمل برخلاف تعداد رابطه</li> <li>اجبار به شیوه‌های غیرمتعارف برخلاف توافق</li> <li>بکار بردن خشونت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>عموماً پس از رابطه از دادن هزینه توافقی سرباز می‌زنند.</li> <li>حتی پیش‌آمده نصفش هم پرداخت نشده.</li> <li>گاه ما را در محل به‌اجبار برای چند وقت نگه می‌دارند و بیشتر از تعداد رابطه توافقی انجام می‌دهند.</li> <li>گاه شده ما را نگه‌داشته و با تهدید با ما کاسی کردن.</li> <li>از ما انجام عمل به شیوه غیرمتعارف می‌خوان.</li> <li>چون پول می‌دهند با حس انتقام رابطه برقرار می‌کنند.</li> <li>کلاً به خاطر مصرف مواد مخدر و بخصوص شیشه در رابطه دچار جنون می‌شوند و خشن می‌شوند.</li> <li>درخواست روابط غیرمتعارف گاهاً به خشونت فیزیکی منجر می‌شود.</li> </ul>
نداشتن امنیت جانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>وادار نمودن به مصرف</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بعضی موقع شریک جنسی مجبور می‌کند مصرف مواد</li> </ul>

مقوله	زیر مقوله	نظرات
	مواد مخدر و مشروبات الکلی • تهدید جانی به خاطر ترس از فاش شدن	را با هم اول تجربه کنیم بعد رابطه جنسی. • خوردن مشروبات الکلی پیش از رابطه خواسته اکثر افراد بخصوص جوان • تهدید جانی به خاطر عدم اعتماد به هم درخصوص فاش شدن و اخاذی
تهدید روحی	• تهدید به فاش کردن هویت نزد فامیل و دوستان	• تهدید به دادن شماره تلفن و مشخصات به افراد فامیل می کنند. • برخی از تن عریان عکس می گیرند و آن را به عنوان ابزار تهدید و اخاذی استفاده می کنند

### بحث و نتیجه گیری

روسپیگری پدیده‌ای بسیار پیچیده به‌ویژه در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود معطوف نموده و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را جهت مهار و کنترل به تکاپو واداشته است. تلاشی که تنها زمانی مثمر ثمر واقع می‌گردد که شناختی صحیح و عمیق از این آسیب اجتماعی حاصل شده باشد. هدف این پژوهش رسوخ به بطن دنیای زنان روسپی و دست یافتن به واقعیت درک آنان از این عمل، علل و پیامدهای این نوع رفتار در آنان است.

نتایج پژوهش نشان داد، سن آغاز روسپیگری زیر ۲۰ سال بوده است. پایین آمدن سن ورود به روسپیگری و مواجه شدن با روسپیان جوان و خطرناکی این سبک زندگی با پیوند جدایی‌ناپذیرش با بیماری‌هایی چون ایدز و حضور پررنگش به‌عنوان معضل اجتماعی که راهی برای انکار باقی نگذاشته است تمامی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید جهت مهار و کنترل اقدامات شایسته انجام دهند.

این پژوهش، داستان و روایت زندگی زنانی است که شرایط زندگی، آنان را به وضعیت فعلی رسانده است. شرایط آسیب‌زای زندگی خود، خواسته یا ناخواسته در گرداب فساد اخلاقی گرفتار شده‌اند. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان، خیانت همسر، بی‌معنی بودن زندگی، نابسامانی خانواده، مشکلات مالی، ضعف باورهای دینی، خشونت و

بدبینی همسر مهم‌ترین عوامل روی‌آوری زنان به تن‌فروشی بود. همچنین عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از وسایل پیشگیری، پاییند نبودن به توافق در شیوه انجام و پرداخت هزینه، نداشتن امنیت جانی و تهدید روحی مهم‌ترین رفتار پرخطر تجربه‌شده زنان روسپی بودند. در مطالعات ملایری خواه لنگرودی (۱۳۹۳) اکثریت زنان در دوره زمانی شش ماه قبل از مصاحبه، استفاده‌ی مداوم از کاندوم نداشتند. دلایل عمده‌ی، عدم ترس از ابراز خشونت یا طرد شدن توسط مشتریان مرد و عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از کاندوم به دلیل کاهش لذت جنسی بیان شد. همچنین در ارتباط با نوع درک زنان از عمل تن‌فروشی نیز، به ترتیب بیشترین نظرات بیان‌شده جامعه موردبررسی، عادی شدن و یادگیری به‌واسطه طلاق، انتقام از همسر، کسب درآمد، ارضای نیازهای جنسی و روحی، رواج ناهنجاری اخلاقی، خستگی و تمایل به زندگی عادی و حاضر به ترک آن نشدن و برتری آن به صیغه، مقوله‌هایی بودند که زنان به‌عنوان نوع ادراک خود از تن‌فروشی بیان نمودند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، بخشی از اقدام زنان به روسپیگری و پذیرش چنین رابطه‌ای، ناشی از شرایط بد اجتماعی و فرهنگی، نابسمانی خانواده، خلائهای عاطفی و نگاه منفی به زنان مطلقه و مجاز دانستن هرگونه رابطه با آنها از سوی مردان است. بر اساس تفاسیر مشارکت‌کنندگان، زنان به لحاظ نابسمانی خانواده و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی به دو گروه قابل‌تقسیم می‌باشند. زنانی که حتی نسبت به اعضای خانواده خویش بی‌تفاوت و بی‌اعتنا بودند. برخی گاهاً به‌عنوان انتقام در راستای آبروریزی خانواده دست به عمل روسپیگری زدند زیرا معتقد بودند در هنگام ازدواج خانواده دیدگاه آنان را نادیده گرفته و الآن تعهدی به حفظ آبرو خانواده ندارند. گروه دوم زنانی بودن که به دلیل حس مسئولیتی که در قبال اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان خود می‌کردند و علاقه‌ای که به آنان داشتند جهت برطرف کردن نیازهای آنان تن‌فروشی را برگزیده بودند. نتایج پژوهش‌های شکرپیگی و قزوینه (۱۳۹۶)، باقری و اورنگ (۱۳۹۴)، نوغانی و همکاران (۱۳۹۱)، فاتحی و همکاران (۱۳۸۹) مؤید این یافته است.

طبق یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین دلیل گرایش زنان به تن‌فروشی حس انتقام از همسر خیانت‌کار بود. اگرچه، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی و کاهش موقعیت همسر به شریک و سوژه جنسی؛ عادی شدن و قبح‌زدایی از برخی منکرات و رذایل و در نتیجه ارتکاب عادی و بدون دغدغه آن‌ها به ترتیب از مهم‌ترین علل گرایش مردان و زنان به خیانت جنسی است. چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند؛ بنابراین جذابیت روابط نامشروع بدین دلیل است که هیچ‌یک از طرفین، عیب‌جویی، سرزنش و شکوه نمی‌کنند. زوج‌هایی که با خیانت و پیمان‌شکنی زناشویی مواجه می‌شوند، اغلب با آشفته‌گی، تخلیه عاطفی هیجانی شدید و تعامل‌های منفی واکنش نشان می‌دهند (گلاس، ۲۰۰۴) به نظر می‌رسد با توجه به ردپای پررنگ این عامل در سایر نابهنجاری‌ها و طلاق، پژوهش در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

بر اساس یافته‌ها، نگاه منفعت‌طلبانه یکی دیگر از بسترهای گرایش زنان به روسپیگری می‌باشد. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، غلبه روحیات لذت‌جویانه و تنوع‌خواهانه و اشتیاق‌های وافر به تجدیدفراش‌های پی‌درپی یا غلبه جنبه سرگرمی روابط جنسی بر جنبه‌ها و اغراض ارزشی و عقلایی؛ موضوعیت‌یابی ارضای غریزه در اشکال مختلف به‌عنوان هدف کانونی و محوری ازدواج و غفلت از دیگر شئون در کنار تربیت گلخانه‌ای و تنش‌زایی مکرر به بهانه نداشتن ارضای کامل و ناهمسویی میان نیازها و مطالبات جنسی طرفین منجر به تمایل وافر به طلاق، تجدیدفراش‌های مکرر و عدم احساس خرسندی مورد انتظار؛ ابتلای زوجین یا شریک جنسی به برخی اختلالات جسمی و روحی که کم‌اشتهایی جنسی را موجب می‌شود. در مطالعات کیخسروی (۱۴۰۰)، نوغانی (۱۳۹۱)، باقری (۱۳۹۴) و هاردمن (۱۹۸۹)، مشکلات پس از ازدواج و تشویق به کسب درآمد از راه نامشروع و وضعیت نامناسب خانوادگی از بسترهای مهم در گرایش زنان به روسپیگری می‌باشد.

ضعف التزام به باورها، ارزش‌ها و احکام دینی و به تبع آن کاهش دغدغه‌ها و

حساسیت‌های اخلاقی که خود را در ضعف خویشتن‌داری جنسی نشان می‌دهد؛ از دیگر مفاهیم ظهور یافته در پژوهش حاضر بوده است. طبق یافته‌های تحقیق، گروهی که منکر روز جزا شدند و معتقد بودند اگر خدا ظالم را در این دنیا شکنجه نمی‌دهد و حق مظلوم را نمی‌گیرد پس وجود ندارد. گروهی دیگر که معتقد به رحمانیت خداوند بودند که از گناه آنان می‌گذرد. نکته جالب توجه این بود که بیان کردند، گناه کبیره مال مردم خوردن و اختلاس است و تن فرشی به علت رفع نیاز گناه محسوب نمی‌شود.

بدین ترتیب یافته‌ها مؤید سؤالات تحقیق است. درک و تفسیر وضعیت زنان، عوامل دخیل بر آن و راهبرد آنان نشان داده شده است. در تحلیل مضمون می‌توان گفت اکثر زنان روسپی قربانی کارکردهای نادرست خانواده پدری و همسری، محیط و جامعه ناسالم خود شدند. بر این اساس نظریات عدم ادغام اجتماعی گیدنز و معناداری زندگی، بهترین تبیین‌کننده برای معضل روسپی‌گری می‌باشند. طبق تعریف گیدنز، شرایطی است که جامعه بر اثر مجموعه‌ای از محرومیت‌ها و ناکامی‌ها، برای فرد یا گروه‌های خاصی در جامعه فراهم می‌کند که مانع فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها می‌شود (Giddens, 2001: 699). عدم ادغام اجتماعی یک فرایند پیچیده و چندبعدی است که با نبود و یا کمبود قوانین حمایتی، خدمات و ارتباطات، شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت‌های مدنی، فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی همراه می‌باشد. عدم ادغام اجتماعی می‌تواند ناشی از عدم تحصیلات یا عدم حق برابر استفاده از آموزش و پرورش، استفاده از امکانات عمومی عدم به کارگیری تکنولوژی و همچنین نداشتن فرصت‌ها و امکانات برابر برای احراز مشاغل مهم و مناسب و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی باشد که از سوی جامعه بر فرد یا گروهی خاص اعمال می‌گردد. طرد شدن، حاشیه‌نشینی و یا بدنامی برخی گروه‌ها سبب می‌شود که آنان بیش از سایر گروه‌های هم‌نوا در جامعه، خود را در معرض بزه دیدگی قرار دهند و یا تسهیلات و فرصت بزه‌دیدگی‌شان را خواسته یا ناخواسته برای بزه‌کاران فراهم نمایند. بر اساس این رویکرد، زنان به علت عدم ادغام اجتماعی و طردهای ناشی از آن کمتر مورد حمایت و توجه بوده، در نتیجه قربانیان کم‌هزینه‌ای محسوب شده و



در نتیجه احتمال بزه دیده گی شان افزایش می یابد؛ اما منظور از معنا، همان تفسیری است که افراد از تمام تجارب زیسته خود اعم از (رنج، خوشبختی، بی عدالتی، شر، سردرگمی و ...) در قالب نظمی نمادین فراهم می آورند به شیوه ای است که کل هستی را در طرحی هدفمند توجیه پذیر می سازد. یافته های این تحقیق با برخی تحقیقات سراج زاد، حسین و فرشید رحیمی (۱۳۹۲)، باقری (۱۳۹۴)، صفرانداقی (۳۹۸)، موحد (۱۳۹۹) و هیکس و کینگ (۲۰۰۸) در این زمینه هم سو می باشد.

به این ترتیب، مسائل مربوط به فقر و فحشای زنان به صورت تابو درآمده است. تابویی که باعث شده آمار و ارقام در این خصوص در دسترس نباشد. تابوها پرچین های نامرئی و ناشناخته ای هستند که مسائل اجتماعی را مرزگذاری کرده اند و به بسیاری از آن ها اجازه مطرح شدن نمی دهند و به بعضی دیگر تا حدودی اجازه مطرح شدن می دهند، لذا تا زمانی که افکار عمومی نتواند به وضوح درباره مسائل اجتماعی حرف بزند و آمار درستی برای کارشناسان وجود نداشته باشد، نمی توان انتظار داشت که آن مسأله به یک دغدغه جمعی تبدیل شده و برای آن راه حلی ارائه شود. راهکارهایی جهت پیشگیری و کنترل عواملی که موجبات گسترش روسپیگری را فراهم می آورند پیشنهاد می شود:

با لحاظ نمودن این مسأله که نداشتن شغل مناسب خود معلول نداشتن مهارت کافی جهت اشتغال می باشد؛ بنابراین سازمان آموزش فنی و حرفه ای با همکاری سایر نهادهای حمایتی می تواند ضمن حمایت های آن سازمان ها این گروه را با توانمندسازی و مهارت اندوزی به سمت احراز شغلی مناسب با درآمد مکفی و استقلال مالی سوق داده و نیاز آن ها را از حمایت های سازمان های پوشش دهنده کاهش دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد شهروندان از نگاه منفی مسئولان و شهروندان سخن گفته اند. پیشنهاد می شود، فقرزدایی و افزایش امکانات درآمدزایی برای خانواده های کم درآمد و ایجاد مسکن مناسب برای خانواده های پرآلود، تسهیل ازدواج جوانان از طریق تأمین شغل و تهیه مسکن برای آنان همچنین نظارت و مبارزه مستمر و بی امان با اعتیاد به مواد مخدر و شغل های کاذب در شهرهای بزرگ، مراقبت بعد از خروج روسپیان از مراکز بازپروری به منظور جلوگیری از

بازگشت مجدد فراهم شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، آگاه‌سازی زنان آسیب‌پذیر از طریق آموزش در خصوص HIV، روش‌های پیشگیری از این بیماری فراهم شود. همچنین از راهکارهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان، توانمندسازی زنان در خصوص مهارت چانه‌زنی برای استفاده از کاندوم، به‌عنوان بخشی از برنامه‌های کاهش آسیب توصیه می‌شود؛ بنابراین مطالعات آتی باید حاوی استراتژی‌هایی جهت ایجاد برنامه‌های آموزشی کاهش آسیب برای بالا بردن منافع درک شده اتخاذ رفتارهای پیشگیری‌کننده از HIV ایدز و نیز افزایش شدت درک شده از HIV در گروه آسیب‌پذیر باشد و بر اهمیت و اثربخشی پیشگیری از HIV ایدز تأکید بیش‌تری نماید.

**سهم نویسندگان:** در پژوهش حاضر فرآیند گردآوری داده‌ها بر عهده نویسنده سوم، کدگذاری، تحلیل، نگارش و تبیین یافته‌ها توسط نویسنده دوم و سوم انجام شده است.

**منابع مالی:** این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه شهید چمران اهواز است.


### تشکر و سپاسگزاری


در اینجا لازم می‌دانیم تا مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمام کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، اعلام داریم.

### ORCID

Masoumeh Bagheri  
Marziyeh Shahryari  
Parvin Ganji

 <http://orcid.org/0000-0003-2043-5055>

 <http://orcid.org/0000-0003-2819-7653>

 <http://orcid.org/0000-0003-3343-9573>

## Resources

- Aliai Zand, S. (2011). Predisposing factors of women to prostitution, *Iranian Social Injuries Collection* [In Persian]. Fifth Edition, Sociologists Association Publications.
- Aliai Zand, S. (2002). Improper marriage is a precondition for prostitution, *Social Welfare Quarterly*, 2, 5: 143-119. [In Persian]
- Benoit, c., smith, m., jansson, m., healey, p. (2018). The prostitution problem”: claims, evidence, and policy outcomes, *Archives of sexual behavior*, 48, 3.
- Bindel, j et al. (2012). *Breaking down the barriers: a study of how women exit prostitution*, eaves and London south bank university (lsbu).
- Bullough, B. & Bullough, V. L. (1996). Female Prostitution: Current Research and Changing Interpretations; *Annual Review of Sex Research*, 18, 9: 1905–1923.
- Barriers to condom use in prostitutes in Tehran, *Journal of the School of Health and the Institute of Health Research*, 12.
- Chibucos, Thomas & Leite Randall, W. (2005). *Family Theory*, Sage Publications.
- Bagheri, M. and Afsaneh A. (2015). Factors Affecting Women Prostitution, *International Conference on Management Economics and Social Sciences*. [In Persian]
- Douglas, M. (1992). *Risk and Danger: Essays in Cultural Theory*. London: Routledge
- Dalla, R. L. (2000). Exposing the “Pretty Woman Myth: A Qualitative Examination of the Lives of Female Street Walking Prostitutes, *Journal of Sex Research*, 37.
- Farley, M. & Barkan, H. (1998). *Prostitution, Violence & Post Traumatic Stress Disorder*, Women & Health, San Francisco, Harworth press, 27.
- Glass. s.p. (2004). *couple therapy after the trauma of infidelity*. In A. S. Gurman. v. N.S. Jacobson (Eds). *Clinical handbook of couple therapy*. New York: Guilford.
- Giddens, A. (2001). *Sociology, with the assistance of Karen Birdsall, Editorial office*, Polity Press in 2001, Reprinted 2002, 2003, 2004 Cambridge: polity (publisher).
- Gallagher, A. (2014). *Human Trafficking: From Outrage to Action*. *Open democracy*. Retrieved From <https://www.opendemocracy.net/5050/Anne-Gallagher/Human-Trafficking-From-Outrage-To-Action>.

- Haixia M. Loke, A.Y. (2019). a qualitative study into female sex workers' experience of stigma in the health care setting in Hong Kong, *International Journal for Equity in Health*, 18, 14.
- Hagan, J. & McCarthy, B. (1997). *Mean Streets*. London: Cambridge University Press.
- Hosseini, S. R. (2002). A Study of the Problem of Prostitution, *Quarterly Journal of Women's Strategic Studies*, 16. [In Persian]
- Hajizadeh Meymandi, M. (2007). *Study of the rate and effective factors on female sexual injury (with emphasis on prostitution)* [In Persian]. Yazd Welfare Organization. [In Persian]
- IMan, M. T. (2012). *Qualitative Research Methodology* [In Persian]. Qom: Institute and University. [In Persian]
- Karimi, Y. Almasi, S. Mohammadi, R, Fazeli, H. (2016). Study of Divorce Rates in Divorced People: Phenomenological Research, *Quarterly Journal of Clinical Psychology Studies*, 7, 25:191-211.
- Kaykhosravi, H, Kaldi, A.R., Nawabakhsh, M, Aghajani Morsa, H. (2021). Sociological Explanation of Sexual Deviations in Women (Case Study of Women with Prison History), *Journal of Women and Society*, 12, 46:15-1. [In Persian]
- Liu, M. (2012). Chinese Migrant Women in the Sex Industry: Exploring Their Paths to Prostitution, *Journal of Feminist Criminology*, 7, 4:327-349.
- Lena Adlund, L. First Corn, F. (2014). Prostitution Theory, *Journal of Political Economy*, News-ID: 1088051393/10/09 - 15:46.
- Madani, S. (2003). Gender Consequences of Social Capital Destruction, *Women's Research Quarterly*, 5, 1:7-34. [In Persian]
- Movahed, Majid, Shahbazi, Najmeh, deputy, Zahra. (2020). Exploring the meaning of prostitution in the lived experience of prostitutes, *women, and society*, 12, 2:306-208. [In Persian]
- Moral, P. (2013). *Murder and Society* [In Persian]. Translated by Baratvand and Ali Hossein Hosseinzadeh, Ahvaz: Applied Research Office of the Khuzestan Disciplinary Command. [in Persian]
- Monto, A. (2004). Female Prostitution, Customers and Violence, *Journal of Violence against Women*, 10:160-188. [In Persian]
- Malery khah Langeroudi, Z, Rahimi movaghar, A, Delbarpour Ahmadi, S, Esmaeili, M. (2014). Barriers of condom use among female sex workers in Tehran, *A Qualitative Study. Sjsph*. 12, 2:23-34. [in Persian]

- Momeni Javid, M, Kazemi Mehrangiz, S. (2011). *Theoretical Perspectives on Marital Infidelity and Improving Relationships with Emphasis on Scientific Counseling Strategies* [In Persian]. Tehran: Ave Noor. [In Persian]
- Mohammadkhani, P. Rezaei Dogaheh, E. Azadmehr, H. Mohammadi, M.R. (2010). Psychopathology and personal and communication problems of men who commit domestic violence, *Social Welfare Quarterly*, 7, 4: 6-14. [In Persian]
- Nordic, N (2018). Reviews prostitution Research in Context: Methodology, Representation, and Power, *Journal of Feminist and Gender Research*, 26, 2:154–159.
- Noghani, M. and Behravan, H. and Talat, T. (2012). *Sociological study of the phenomenon of prostitution among affected women and girls*, [In Persian]. Case study: Maintenance and intervention centers in Bojnourd crisis resolution Intervention in Bojnourd crisis resolution. [In Persian]
- Oucault, M. (1989). Concern for the Truth. In S. Lotringer (Ed.), *Foucault Live*, Collected Interviews 1961–1984, 455–465, New York, NY: Semiotexts.
- Rezaei, S. (2015). *A Study of Social Capital on Marital Satisfaction among Rural Women (M.Sc. dissertation)*. Faculty of Social Sciences, University of Tehran. [In Persian]
- Robington, E. and Martin W. (2003). *Seven theoretical approaches in the study of social issues in Iran*, translated by Sediq Sarvestani [In Persian]. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Rabbani Khorasgani, A, .Ghane Ezabadi, F. (2015). A Study of Living Experiences of Prostitutes (Case Study: Yazd and Isfahan Cities), *Strategic Research on Social Issues in Iran*, 4, 2:68-49. [In Persian]
- Patton, M.Q. (1994). *How to use Qualitative methods in evaluation*. London: Sage.
- Park, Robert E. (1928). Human migration and marginal man, *American Journal of Sociology*, 33.
- Spanger, M. Skilbrei, M.L. (2017). *London*, Routledge, 176 £93.99 (Hardback). ISBN: 978-1-138-90948-9.
- Setodeh, H. (1997). *Social Pathology* [In Persian]. Tehran, Avaye Noor. Fourth Edition, 167-165.
- Shakerbeigi, A. Qazvineh, J. (2017). Women Prostitution: A Case Study of Gypsy Women Prostitution in Hekmatabad neighborhood of

- Kermanshah, *Social Psychological Studies of Women*, 15, 3:145-164. [In Persian]
- Safrandaghi, A.M. (2019). *A Study of the Living Experience of Prostitutes in Tehran: A Phenomenological Study (M.Sc. dissertation)*. Faculty of Behavioral Sciences and Mental Health. [In Persian]
- Silverman, D. (2013). *Doing Qualitative Research*, a Practical Handbook.
- Shaw, J. (2004). Microenterprise Occupation and Poverty Reduction in Microfinance Programs: Evidence from Sri Lanka, *World Development*, 32, 7.
- Seng, M. (1989). *Child Sexual Abuse and Adolescent Prostitution: A Comparative Analysis of Adolescence in Canadian Center for Justice Statistic*, Street Prostitution in Canada. *Juristat* 13
- Thines, G. (2015). *Phenomenology and the science of behavior*, an historical and epistemological approach.
- Young, a. m., c. Boyd & hubbell, a. (2000). Prostitution, use & coping with psychological distress, *journal of drug*, 30.
- Zigman, M. (1999). *Under the Law, Teen Prostitution in Kensington*, Critique of Anthropology, 19.
- Zarei, F, Morghani Khoei, S.E.F. Taghdasi, M.H. Solhi, M. Nejat, S. Shojaeizadeh, D. Rajati, Azam Rahmani. F. (2017). Divorce from the perspective of a divorced woman: Qualitative research, *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 2, 3:52-64. [In Persian]

**استناد به این مقاله:** باقری، معصومه، شهریار، مرضیه، گنجی، پروین. (۱۴۰۰). تجربه زیسته زنان در گرایش به روسپیگری و رفتارهای جنسی پرخطر، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۲)، ۲۳۷-۲۷۴.

DOI: 10.22054/QJSS.2021.43787.2401



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...